پای صحبت رئیس دانشگاه بناب، دکتر قربانعلی حقیقت دوست بناب

# اساس و پایه یک دانشگاه نیروهای انسانی و اعضاء هیئت علمی آن می‌باشد

**پای صحبت رئیس دانشگاه بناب، دکتر قربانعلی حقیقت دوست بناب**

جناب آقای دکتر سلام علیکم، از اینکه فرصتی را در اختیار ما قرار داده اید تا با جنابعالی از نزدیک آشنا شویم، تقدیر و تشکر می نماییم.

***آقای دکتر با توجه به اینکه جنابعالی یک نیروی متخصص بومی هستید، کمتر کسی با بیوگرافی شما و همچنین تحصیلات شما آشنایی دارد، لطفاً خودتان را بطور کامل معرفی نمایید؟***

با سلام و تشکر از شما که این فرصت را ایجاد کردید تا بتوانیم در فضایی صمیمانه و بی تعارف باهم صحبت کنیم.

اینجانب قربانعلی حقیقت دوست بناب، متولد پنجم اسفند ۱۳۴۸ هستم و در خیابان شهید مطهری، کوچه جنب ساختمان جهادسازندگی سابق، در یک خانواده طبقه پایین بزرگ شده ام. مرحوم پدرم یک کارگر ساده بود ولی همیشه سفارش به رعایت حلال و حرام، صداقت و راستگویی و مواظبت از آبروی خانواده را به همه گوشزد می کرد. مادرم خدابیامرز، زنی بسیار زحمت کش و پرتلاش بود. بنده فرزند چهارم خانواده هستم دارای یک برادر بزرگتر که نقش بسزایی در موفقیت بنده دارد و سه خواهر می باشم. به مصداق حدیث «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از درگاه خداوند متعال در طول زندگانیم سپاسگزاری داشته و هم اکنون نیز دارم واز همه کسانی که به نحوی در موفقیت اینجانب نقش داشته اند به خصوص تک تک اعضاء خانواده ام تشکر و قدردانی می کنم و به روح مرحوم پدرم و مادرم درود می فرستم و از برادرم که زحمت زیادی برایم کشیده است، کمال تشکر را دارم. همچنین از همسر عزیزم که در دوران زندگی مشترک چه در داخل و چه در خارج کشور متحمل زحمات زیادی شده و فرزندان عزیزم که این روزها وقت کمتری برای ایشان پیدا می کنم و اساتید و همچنین دوستانمتشکر و امتنان دارم. دوران ابتدایی را در مدرسه بامداد (کوزه چیلر) و دوران راهنمایی را در مدرسه آیت الله مجلسی تمام کرده ام.

از معلمان دبستان می‌توان مرحوم آقای موسی مرزوقی، آقای اولیایی و آقای مصطفی خدایی را نام برد. در دوران راهنمایی افراد زیادی در تحصیل اینجانب تأثیرگذار بوده اند. از جمله آنها به آقای دباغ، آقای میریحیی سیدی، آقای بابایی (معلم ریاضی) ، آقای الستی (معلم زبان)، آقای شیخ زاده (معلم حرفه و فن)، آقای محمود خسروشاهی (معلم علوم) و بسیاری دیگر که شاید در این مصاحبه حضور ذهن نداشته باشم، همواره مرا تشویق به ادامه تحصیل می‌کردند، می توان اشاره کرد. واقعاً بنده همواره خود را مدیون همه این عزیزان می دانم و دوست دارم کاری کنم که نشانگر تشکر و قدردانی از ایشان باشد.

وضعیت در دوران دبیرستان به گونه دیگری بود. درسال ۱۳۶۵-۱۳۶۴ که وارد دبیرستان شدم، فصل جدیدی در زندگی ام ایجاد شد و در آن دوران علاقه زیادی به تحصیل پیدا کردم و از کلاس اول دبیرستان در شبانه روز بیش از ۴ یا ۵ ساعت نمی خوابیدم و یک عطش وافر تحصیل و مطالعه در من ایجاد شده بود. از همکلاسی های دوران دبیرستان به دوستان صمیمی خود، آقایان مهندس قلی رضایی دانشور، مهندس حسن توفیقی، دکتر شهریار رحمت اله پور، دکتر قادر خانبابایی و بسیاری دیگر که الآن همگی افراد موفقی هستند می توانم اشاره کنم.

دوران دبیرستان را در مدرسه شهید چمران و آیت الله باقری بنابی گذراندم. از معلمان آن دوران به مرحوم آقای هوشیار، آقایان سلطانی، پورعباس، نژادخاتمی و همچنین اساتید بسیار گرامی، آقایان مسعود شرقی، محسن قوی پنجه، اسکویی، ممقانی، زاهدی فر، سیدی و تقی پور می توانم اشاره کنم. البته اسامی کامل اساتید گرامی و دلسوزم دراین مجال نمی گنجد.

***لطفاً از دوران تحصیل‌تان در دانشگاه برایمان بگویید؟***

دوران دبیرستان را با شدت و علاقه زیادی پشت سر گذاشتم. در سال ۱۳۶۹ وارد دانشکده علوم پایه دانشگاه تبریز در رشته ریاضی محض شدم. از همان ابتدای ورود به دانشگاه، علاقه زیادی به تدریس در کنار تحصیل پیدا کرده بودم. یادم هست در سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ کلاس های تقویتی برای دانش آموزان سوم دبیرستان در بناب به کمک دوستان دیگر (آقایان مهندس دانشور، دکتر طاهری، دکتر خانبابایی) برگزار کردیم. آن موقع هیچ آموزشگاهی در بناب نبود و خیلی از بچه ها نمی توانستند به کلاس های تقویتی در تبریز که بعضی ها می رفتند، بروند. هنوز هم دانش آموزان آن کلاس ها یادم هست و اکثر آنها الآن تخصص ها و پست های خوبی در کشور دارند. بعدها آموزشگاه علم و دانش با مدیریت آقایان راجعی فر، رسول شکری و دیگران ایجاد شد و من در آنجا برای چندین سال ریاضیات دوران دبیرستان و کنکور را برای بچه های بنابی تدریس می کردم. جزء اولین نفرات بنابی بودم که در رشته ریاضیات تحصیل می کردند. دوره لیسانس را ۷ ترمه تمام کرده و بلافاصله در سال ۱۳۷۴ وارد دوره فوق لیسانس دانشگاه تبریز شدم. دوره فوق لیسانس را ۳ ترمه به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۵ جزء نفراتی بودم که از آزمون اعزام به خارج وزارت علوم قبول شده بودند، ولی به علت عدم آمادگی کامل در آن سال نتوانستم به خارج از کشور برای ادامه تحصیل بروم. از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی سهند بودم. در این دوران تجربیات زیادی در تدریس کسب کردم.

***جناب آقای حقیقت دوست، دوره دکتری را در کجا گذراندید؟***

بهمن ماه ۱۳۷۹ به عنوان نفر سوم آزمون اعزام به خارج به همراه خانواده جهت ادامه تحصیل با بورسیه وزارت علوم به کشور روسیه، دانشگاه ایالتی مسکو عازم شدم. مستحضر هستید که روسیه اولین کشور برتر در رشته های مختلف از جمله ریاضی می باشد. این دوران تأثیر بسیار زیادی در بنده گذاشت. بااینکه تحصیل در یک کشور غریب با زبان کاملاً متفاوت با یک بچه و خانواده، بسیارسخت است ولی با کمک خدا و همت مضاعف توانستم زبان روسی را در مدت ۴.۵ ماه با روزانه ده، دوازده ساعت کار فقط روی زبان روسی، آنرا بطور کامل یاد بگیرم و بتوانم بطور صحیح و روان به زبان روسی صحبت کنم و از منابع سرشار علمی روسی استفاده کنم. بخصوص در دوران تحصیل در بزرگترین دانشگاه شوروی سابق یعنی دانشگاه مسکو، همواره دوست داشتم چیزهای مفید و خوب آنها را فراگیرم تا روزی در کشور خود بتوانم آنها را پیاده کنم. شما تصور کنید در دانشگاهی تحصیل می کنید که ۲۵۰۰ نفر پروفسور تمام وقت دارد، روزانه بیش از ۱۰۰ سمینار علمی در موضوعات مختلف در دانشگاه برگزار می گردد. کشور روسیه دومین کشور تولید کننده علم است، بعد از کشور ایالات متحده آمریکا که اکثر دانشمندان آن از کشورهای دیگر است ولی روسیه همه دانشمندان را خودش پرورش داده است. اگر شما هم آنجا بودید، آرزو می‌کردید در کشور ما نیز چنین دانشگاهی باشد. دانشگاه ابعاد مختلف خاص خودش را دارد. وجود دانشگاه و ادامه حیات آن به پارامترهای مختلفی بستگی دارد.

***شما پایه و اساس یک دانشگاه را در چه چیزی می دانید؟***

اساس و پایه یک دانشگاه، نیروهای انسانی و اعضاء هیأت علمی آن می باشد. وجود دانشگاه به ساختمان نیست، هرچند نیاز اساسی یک دانشگاه، وجود فضای کافی برای آموزش و پژوهش است. بسیاری از مراکز آموزشی و پژوهشی با وجود فضاهای کافی، راه به جایی نبرده اند.

هرگاه شما زیربنای محکمی با جذب اساتید با تحصیلات خوب در دانشگاه های برتر ایجاد کنید، در این صورت است که آن را تضمین کرده‌اید. دانشگاه مسکو یک چنین دانشگاهی است، بیش از ۲۵۰۰ استاد برجسته و محقق در آن دانشگاه مشغول به کارند. وجود مجلات علمی زیاد و برگزاری سمینارهای علمی و کنفرانس ها، یکی دیگر از شاخص های یک دانشگاه فعال و پویا می باشد. دانشجو با ساختمان و فضا تربیت نمی شود، بلکه وجود اساتید باتجربه و باسواد موجبات تربیت دانشجویان را فراهم می کند. استاد بنده، آقای *آناتولی فومنکو* فردی بود که از نظر علمی در دنیا شناخته شده است، دارای بیش از ۲۰۰ مقاله علمی و نزدیک به ۶۰ کتاب علمی جهانی دارد و هنوز بیش از سی سال است که در آپارتمان دانشگاه زندگی می کند و عمر خود را وقف تحقیق و آموزش نموده است.

**معمولاً اساتید و محققین در همه جای دنیا زیاد دنبال ظواهر دنیوی نیستند؛ یعنی نمی شود هم استاد و محقق خوبی بود و هم از لحاظ مادیات رشد کرد.**

معمولاً اساتید و محققین در همه جای دنیا زیاد دنبال ظواهر دنیوی نیستند. یعنی نمی شود هم استاد و محقق خوبی بود و هم از لحاظ مادیات رشد کرد. در مورد خود بنده فرصت های زیادی برای کسب مال و فعالیت های مادی در دوران زندگی ام ایجاد شده بود ولی هیچ گاه نخواستم و نمی خواهم وقت خود را صرف آنها کنم. همانطور که گفتم در اینصورت هردوی آنها هم شغل معلمی وهم کسب مال و ثروت هردو عقیم می مانند، لذا از همان اول خود را وقف علم و دانش کرده‌ام. به قول یک مثل قدیمی «با یک دست دو هندوانه نمی‌شود برداشت. »

***ویژگی های یک استاد به عنوان محقق چه می‌تواند باشد؟***

شاید تصور ما و مردم ما از اساتید واقعی زیاد درست نباشد، هیچ وقت یک استاد و محقق باسواد مدرک خود را به رخ دیگران نمی‌کشد. درخت هرچه بارش بیشتر، سربه زیرتر است. من اساتید بسیار برجسته ای را در آنجا دیده‌ام که روزی آرزوی دیدارشان را داشتم و به تصور خود فکر می کردم این اساتید با پرستیژ خاصی به دانشگاه رفت و آمد می کنند، ولی برخلاف تصور، خیلی ساده زیست و متواضع ظاهر می شدند. حتی ظاهر لباس و پوشش آنها در حد متوسط می باشد. دراین صورت است که حرف و سخن استاد در دانشجو تأثیرگذار است.

متأسفانه هنوز تصور عامه مردم ما از دانشگاه و دانشجو و استاد با تصویر واقعی آنها فاصله زیادی دارد. باید تلاش کنیم صادقانه و با روشنگری زیاد، این فاصله را پر کنیم. اکثر اساتید، افراد سخت کوش و زحمت‌کشی هستند. ما در دانشگاه های خودمان، اکثراً اساتیدی از طبقه متوسط یا پایین داریم. اکثر همکاران ما را اگر درنظر بگیرید، زمانی در دوران زندگی، زحمات و مشقات زیادی را متحمل شده اند. یادم هست بنده از هشت سالگی کار کرده ام، از شاگردی در مغازه کبابی گرفته تا کارگری در شهرداری و دست فروشی و کار بنایی، همه و همه موجب پختگی و افزایش مقاومت در مقابل کارهای سخت می شود. خاطره ای از مرحوم آقای کشفی که آن موقع در امورات عمرانی شهرداری مسئول بودند، دارم: روزی من با یک بیل بزرگ در مقابل شهرداری جهت کار مراجعه کرده بودم، ایشان هر روز صبح تعدادی را جهت کار روزانه انتخاب می کرد؛ بنده آن موقع کلاس اول راهنمایی را تمام کرده بودم و ایشان بیل مرا گرفت و با قدأم مقایسه کرد و گفت: برو پسر هر موقع هم قد بیل ات شدی بیا. ولی با اصرار من، مرا فرستاد تا چمن های بلوار مطهری را آبیاری کنم. روحش شاد.

***نظر جنابعالی در خصوص نخبگان چیست؟***

همانطور که می دانید، علاوه بر خانواده که زحمت زیادی در تربیت افراد متخصص و نخبه می کشند، جامعه نیز هزینه زیادی برای تربیت ایشان متحمل می شود. پس باید از وجود ایشان و تخصص آنها استفاده شود و برای تربیت نسل های بعدی روی ایشان حساب باز کرد. یادم هست زمانی ما در بناب تحصیل کرده دانشگاهی کم داشتیم و اکثر معلمان ما از شهرهای همجوار بودند. ایشان بااینکه زحمات زیادی می‌کشیدند و از جان و دل مایه می گذاشتند، ولی مردم ما دوست داشتند نیروی متخصص محلی داشته باشند. درحال حاضر بحمدالله بناب دارای نیروهای نخبه و متخصص خوب و رده بالایی است، نباید از حضور ایشان غفلت شود، ما هرچه در توان داریم باید بکار گیریم تا از ایشان به نحو احسن استفاده کنیم. نخبگان سرمایه بالقوه کشور هستند، باید به یک سرمایه بالفعل تبدیل شوند. درهمین راستا اخیراً با همت نماینده محترم و پرتلاش شهرستان، همایش بزرگی از نخبگان بنابی داخل و خارج کشور با همکاری دانشگاه های شهرستان در دانشگاه آزاد اسلامی برگزار شد و این یک قدم مثبتی در جهت شناساندن نخبگان به جامعه بود و انشاءالله تعالی با همان اراده قبلی بالاتفاق تصمیم داریم چنین همایش هایی را به طور مستمر با برنامه های کیفی در آینده برگزار کنیم.

***لطفاً از چگونگی تحصیلات در خارج کمی صحبت کنید؟***

سال ۱۳۷۹ که بنده به همراه خانواده عازم تحصیل شدم، مادرم فوت کرده بود. متأسفانه نتوانستم مطابق آنچه در دل داشتم و در راستای وظیفه فرزندی برای ایشان کاری کنم و هنوزهم از این بابت هرازگاهی دلم می گیرد. ولی پدرم در قید حیات بود. برخلاف میل باطنی ام ایشان را در کنار برادر و خواهرانم گذاشتم و عازم شدم. در طی نزدیک به چهارسال با کار شبانه روزی در تحصیل و کسب علم، علاوه بر یادگیری کامل زبان روسی توانستم در یک شاخه مهم هندسه یعنی سیستم‌های دینامیکی، دوره دکتری را تمام کنم. بنده در دانشکده مکانیک ریاضی دانشگاه مسکو که یکی از مهم‌ترین دانشکده‌های دانشگاه است و افراد بزرگی مانند *کولمو گورف*، *آرنولد*، *تیخونف* و بسیاری دیگر که مکاتب علمی بزرگی را بنا نهاده اند، تحصیل کردم. واقعاً اول ورود، سختی کار را متوجه نبودم. مثلی است که می گوید شخصی برای شکار به جنگل رفته بود و درتاریکی شب شکاری را به تله می اندازد و گرفته با خود می آورد ولی وقتی در روشنی خانه آنرا نگاه می کند می بیند شیر بوده که شکار کرده است. واقعاً جریان تحصیل من در دانشکده مکانیک ریاضی نیز همین بود. در قسمت آموزش دانشگاه می گفتند تو در طی ۴۰ سال گذشته، دومین ایرانی و جزء بیست نفر خارجی هستی که از اینجا توانستی فارغ التحصیل شوی. بنده در دی ماه ۱۳۸۳ از رساله دکتری خود تحت عنوان »هندسه سیستم های هامیلتونی «دفاع کرده و به استناد دانشنامه از طرف وزارت علوم روسیه با درجه عالی از دانشگاه مسکو فارغ التحصیل شده و به دیار خود بازگشتم.

**کسانی که با سرمایه های این مرز و بوم در دیار غربت علم اندوزی کرده اند، بهتر است تجربیات خود را به تحصیل کردگان خود انتقال دهند تا قطار علمی همچنان در حرکت باشد**

***آقای دکتر بعد از بازگشت کجا مشغول شدید؟***

باتوجه به اینکه بنده تعهد خدمت در دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان را داشتم، بلافاصله در گروه ریاضی آن دانشگاه شروع به کار کردم. در دوره لیسانس که اساس تحصیل و دانشگاه است و متعاقب آن در دوره کارشناسی ارشد به تدریس پرداختم و لذااستفاده از تجربه دانشگاه مسکو و پیاده کردن روش ها و ایده های صحیحی که داشتم در آن مقطع تحصیلی برایم یک هدف به شمار می رفت. در آن دانشگاه برگزاری سمینارهای علمی، تربیت دانشجویان توانمند و ایجاد دوره های دکتری، جزء برنامه های بنده و همکارانم بود.

چنانچه اطلاع دارید دانشگاه علاوه بر تربیت نیروهای متخصص برای ارگان ها و دستگاه های دیگر، وظیفه خطیری در تربیت محققین و پژوهشگران با ایجاد دوره های تحصیلات تکمیلی دارد. از سال ۱۳۸۷ که بنده به عنوان مدیرگروه ریاضی دانشگاه شهید مدنی بودم، تنها یک گرایش در دوره دکتری ریاضی وجود داشت و تعداد دانشجویان دکتری ۲ نفر بودند، ولی با همکاری اساتید گروه و مسئولین دانشگاه در زمان مدیریت گروه توسط اینجانب، تعداد گرایش های دوره دکتری ریاضی به بیش از ۷ گرایش افزایش یافت و تعداد دانشجویان دکتری به ۳۰ نفر رسید و هم اکنون در تمامی گرایش های ریاضی، دوره دکتری دارد و بیش از ۶۰ نفر دانشجو در این دوره ها مشغول به تحصیل هستند.لذا حیات یک دانشگاه به دوره های تحصیلات تکمیلی به خصوص در زمان فعلی بستگی دارد.

***آقای حقیقت دوست، شما کار اجرایی را چگونه می‌بینید؟***

بنده هیچ وقت قصد کار اجرایی نداشته ام چراکه پژوهش و کار علمی از اولویت های اینجانب بوده و هست، زیرا کشور ما از تعداد کم متخصص و محقق بسیار رنج می برد. کسانی که با سرمایه های این مرز و بوم در دیار غربت علم اندوزی کرده اند، بهتر است تا حدی که اقتضای زمان است، تجربیات خود را به تحصیل کردگان خود انتقال دهند تا قطار علمی همچنان در حرکت باشد. ولی با توجه به اینکه کسی که سکان مدیریت دانشگاه را در دست می گیرد، خود باید مزه پژوهش و تحقیق را نیز چشیده باشد و حداقل در دانشگاه های مختلف کارهای علمی و پژوهشی و تجربه تحصیل داشته باشد تا دانشگاه را به نحومطلوب هدایت کند، لذا مدیریت دانشگاه بالاجبار باید خود از جنس اساتید و محققین باشد که این خود به نظر من ضربه ای بر بدنه پژوهش است و یک تضاد می باشد.

با توضیح نهایی در این رابطه باید گفت: دانشگاه که تفاوت اساسی با سایر ارگان ها دارد، متشکل است از سه جزء اساسی *اعضاء هیأت علمی* که پایه و اساس دانشگاه محسوب می شوند، *دانشجویان* که هویت بخش دانشگاه هستند و *کارکنان* که بدنه اجرایی بوده و بارسنگین مدیریت را برعهده دارند.غفلت از هرکدام از این اجزاء، دوری از رسالت و اهداف دانشگاه را دربرخواهد داشت و توجه لازم و تقویت هرکدام از این سه جزء موجب رشد و بالندگی دانشگاه خواهد شد و به نظر می رسد این توان تنها در کسانی است که خود سالها در این محیط رشد کرده و از دل و جان از مسائل ایشان آگاه است.

***چگونه شد که شما رئیس دانشگاه بناب شدید؟***

سوال شما شبیه سوال از کسی بود که پرسیدند چطور شد شما از ساختمان ۸۰ طبقه پایین پریدید؟ به این دلیل جوابی نداشت چون ایشان را هل داده بودند. البته این شوخی ای بیش نبود.

از سال ۱۳۷۶ بعداز اینکه بنده عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی سهند شدم و همزمان روزهای جمعه در دانشگاه پیام نور مرکز بناب نیز به تدریس مشغول بودم، پیشنهادهای زیادی جهت مدیریت داشتم و قبل از خیلی ها که مسئولیت در مراکز آموزش عالی شهر گرفتند و واقعاً ایثار کرده و می کنند، بنده نیز پیشنهاد مدیریتی داشتم. ولی همانطور که عرض کردم، اولویت بنده، تحصیل و کسب بیشتر علم و پژوهش بوده و هست. بعد از فارغ التحصیلی از دوره دکتری از سال ۱۳۸۳ و بلافاصله بعد از بازگشت نیز پیشنهادات متعددی داشتم ولی با توجه به اینکه بنده به عنوان سوغاتی، پژوهش های نیمه کاره و مسائل خوبی برای دانشجویانم آورده بودم، به هیچ عنوان تن به این پیشنهادات ندادم!

در سال ۱۳۹۰ که بنده مدیریت دانشگاه بناب را پذیرفتم، مدیرگروه ریاضی دانشگاه شهیدمدنی بودم که یک پست آکادمیک است، مدتی بود که دوستان و آشنایان بارها به کنایه و بعضاً روراست از عدم قبول مدیریت در بناب اظهار ناراحتی می کردند و دلایل متعددی را می آوردند و بنده اکیداً امتناع می کردم. یادم هست بارها جلسات متعددی تشکیل شد و بنده رضایت به این امر نمی دادم. می دانید مدیریت یک دانشگاه تقریباً تعطیلی تمامی فعالیت های شخصی و حتی فراموش کردن خانواده است. ضربه ای که مدیریت برای یک فرد علمی و پژوهشی وارد می کند، سطح آن براهل فن واقف است.

چنانچه عرض کردم امثال بنده باید خود را مدیون کشور و مردم مرز و بوم خود بدانند، چراکه ما خود را سرمایه های بالقوه کشور می دانیم و هرجا که لازم باشد همانند یک سرباز باید حضور پیدا کنیم. اما مسأله من، عدم رضایت به خالی کردن سنگر پژوهش بود نه راحت طلبی. بالاخره با توجه به دلایل دوستان و حتی معتمدین شهر و با اشاره به گزینه های مطرح شده آن زمان، بنده را وادار به قبول مسئولیت دانشگاه کردند. امروز که دو سال پیش را مرور می کنم، همان مثال شکار شیر به ذهن ام خطور می کند که واقعاً دست به ریسک بزرگی زده ام. می دانید تمامی مسئولیتها سخت و سنگین است ولی باور کنید **اگر این مسئولیت در جایی غیر از شهر خودم بود به هیچ عنوان نمی پذیرفتم**. بااینکه هرجای ایران خدمت کنیم مملکت خودمان است و به قول یکی از بزرگان شهرمان، خدمت در ایران اسلامی جا و مکان خاصی ندارد و خدمت باید به دور از تعصبات قومی و منطقه ای باشد و ما همگی باید مخلصانه در خدمت نظام مقدس جمهوری اسلامی باشیم. دلیل عدم پذیرش را عرض کردم، بنده توانایی انجام کارهای پژوهشی بزرگ و همچنین تربیت دانشجویان توانمندی را دارم و این خود نعمتی بزرگتر از مدیریت یک دانشگاه می باشد. به هر حال با وجود دلایلی که عرض کردم، مسئولیت خدمت در دانشگاه بناب را پذیرفتم.

**اخذ مجوز پذیرش دوره دکتری در دو رشته هندسه و فوتونیک در سال ۹۰ گام دیگری برای شناساندن توانمندی علمی دانشگاه بناب در سطح منطقه و وزارت بود**

***آیا می توانید به تاریخچه پیدایش دانشگاه بناب اشاره ای فرمایید؟***

ابتدا لازم است عرض کنم، وجود دانشگاه بناب در برهه زمانی فعلی یک نعمت بزرگی برای منطقه و مردم شهرمان می‌باشد. بنده در همین جا به همه کسانی که در گذشته بدون اشاره به اسامی ایشان در شکل گیری نطفه این دانشگاه زحمات زیادی کشیده اند، خسته نباشید می گویم و برای ایشان آرزوی سلامتی و موفقیت و بعضی ها که به رحمت خدا رفته اند، طلب مغفرت از درگاه خداوند متعال دارم. این دانشگاه کار خود را به عنوان آموزشکده فنی و مهندسی در سال ۱۳۷۴ با رشته برق با ۳۸ دانشجو به

عنوان زیرمجموعه دانشگاه تبریز آغاز کرد.در سال ۱۳۷۶ به دانشکده فنی مهندسی تبدیل شد و با اضافه شدن چندین رشته دیگر از سال ۱۳۸۸ به عنوان مجتمع آموزش عالی مستقل از دانشگاه تبریز به فعالیت خود ادامه می دهد. نهایتاً در سال ۱۳۹۰ به دانشگاه بناب ارتقاء یافت و به طور رسمی به عنوان بزرگترین مرکز آموزش عالی منطقه ، مستقلاً تحت نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فعالیت خود را ادامه می دهد.

***آقای دکتر آیا می توانید آماری از سال ۱۳۹۰ درخصوص دانشگاه ارائه دهید؟***

انصافاً در طی سال های متمادی از زمان تأسیس در سایه تلاش های مستمر و صادقانه مسئولین وقت شهرستان، مسئولین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه بناب در مقایسه با مراکز هم سن خود رشد و پیشرفت چشمگیری داشته است.تبدیل یک دانشکده به مجتمع آموزش عالی و همچنین به دانشگاه، نیاز به فعالیت های قابل قبول و کسب استانداردهای لازم دارد و واقعاً رسیدن به آن، تمام وقت مدیریت را می طلبد.

در سال ۱۳۹۰ که بنده مجموعه را تحویل گرفتم، دانشگاه تقریباً در وضعیت مطلوبی قرار داشت. حدود ۱۱۰۰ نفر دانشجو در ۸ رشته کارشناسی و ۲ رشته کارشناسی ارشد با همکاری ۲۲ نفر عضو هیأت علمی که ۱۴ نفر از آنها مربی بودند، مشغول به تحصیل بودند.

کل فضای آموزشی در اختیار دانشگاه علاوه بر ساختمان قدیمی معروف به ساختمان سفید که از زمان اداره کشاورزی باقی مانده است، ۳۵۰۰ مترمربع بود و همچنین دانشگاه هنوز سلف سرویس مناسبی در اختیار نداشت و **برای دانشجویان در یک سوله قدیمی غذا سرو می شد** و سلف سرویس دانشگاه در حال ساخت بود. دو دستگاه ساختمان خوابگاه خواهران فعالیت داشت و ساختمان سوم در حال تکمیل بود. هنوز دانشگاه با چارت دانشکده یعنی با دو معاونت آموزشی، پژوهشی و دانشجویی و معاونت اداری، مالی و پشتیبانی فعالیت می کرد.اکثر مدیریت ها و ادارات لازم برای دانشگاه ایجاد نشده بود. بودجه جاری دانشگاه در حدود ۴/۲ میلیارد تومان و بودجه عمرانی حدود ۸/۲ میلیارد تومان بود.

دانشگاه هنوز نمازخانه مناسبی نداشت و اکثر اساتید در اتاق های چندنفری فعالیت می کردند و کارکنان دانشگاه نیز فضای مناسب کار در اختیار نداشتند. ساختمان آموزشی شماره ۲ حدود ۳۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشت، تقریباً هیچ فضای ورزشی در دانشگاه وجود نداشت و هیچکدام از شوراهای دانشگاه هنوز فرصت ایجاد نیافته بودند. دانشگاه از عدم وجود یک هیأت اجرایی جذب اعضای هیأت علمی رنج می برد. البته همه این نواقصات کاملاً طبیعی بود و هیچگونه دلالتی بر عدم فعالیت مسئولین نمی کند. چراکه هنوز به تازگی یک مجموعه به دانشگاه تبدیل شده بود. چارت سازمانی دانشگاه که موجب ایجاد واحدهای مختلف می شود، هنوز به هیأت امنا نرفته بود و تصویب نشده بود.

***شما کار مدیریتی خود را با چه اولویتی آغاز کردید؟***

سوال بسیار جالبی فرمودید. بنده در همان آغاز کار براساس برنامه ای که خدمت وزیر محترم وقت در راستای اسناد بالادستی ارائه کردم، به دنبال ایجاد روحیه همدلی و همکاری در بین همکاران و ایجاد امیدواری برای آینده دانشگاه در بین دانشجویان بودم. در کوتاه مدت به لطف خداوند موفق شدم اعتماد همکاران و دانشجویان را در حد مقبولی جلب کنم و همکاران نیزبه جهت تأمین اهداف مجموعه بصورت شبانه روزی بسیج شدند. اولویت بنده ابتدا شناسایی نیازهای واقعی مجموعه و مطلع ساختن آنها بهمسئولین محترم وزارت علوم بود که بحمدالله اکثراً هم دوره ای های دوران تحصیل بنده در داخل و خارج کشور تا سطح معاون وزیر بودند.

در اولین قدم با کمک مسئولین محترم شهرستان، **حدود ۸۰۰ میلیون تومان یارانه نقدی برای رفع نواقصات دانشگاه از وزارت علوم دریافت کردیم** و این گره بسیاری از مشکلات را باز کرد.

سپس در تاریخ نهم اسفند ۹۰ موفق به تصویب چارت سازمانی جامع در هیأت امنا شدیم که یکی از موفقیت های چشمگیر بود.

اخذ مجوز پذیرش دوره دکتری در دو رشته هندسه و فوتونیک در سال ۹۰ گام دیگری برای شناساندن توانمندی علمی دانشگاه بناب در سطح منطقه و وزارت بود.

برگزاری سومین سمینار ملی و بین المللی هندسه و توپولوژی برای اولین بار در دانشگاه بناب در شهریور ۱۳۹۰.

همچنین تکمیل پروژه سلف سرویس دانشگاه ۲ ماه پیش از موعد مقرر و سرو غذا برای دانشجویان از فروردین ۹۱ در سلف سرویس جدید به متراژ ۲۵۰۰ مترمربع و با هزینه حدود ۷/۱ میلیارد تومان از جمله فعالیت های اولیه و کوتاه مدت همکاران اینجانب در دانشگاه بناب بود.

اخذ مجوز افزایش معاونت ها از ۲ معاونت به ۳ معاونت و ایجاد مدیریت فرهنگی دانشگاه.

اخذ مجوز برگزاری کنکور سازمان سنجش و آموزش کشور در سال ۹۱ که زمانی در شهرهای همجوار و مدتی در مکان های متعدد شهر برگزار می شد ولی الآن بصورت یکپارچه در دانشگاه برگزار می گردد.

راه اندازی و تکمیل حسینیه ولایت دانشگاه که یکی از نیازهای مبرم بود در متراژ حدود ۳۵۰ مترمربع با هزینه بیش از ۲۰۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۱.

اخذ مجوز ایجاد دفتر نمایندگی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه و اخذ مجوز ایجاد هیأت اجرایی جذب دانشگاه از جمله فعالیت های سه ماهه اول سال ۹۱ بود.

چنانچه می دانیم **معاونت ها و زیرمجموعه های مدیریتی یکی از اهرم های قدرت مدیریت می‌باشند**، لذا برای نیل به اهداف مدیریتی و فرهنگی در اولین حرکت اقدام به ایجاد واحدهای مختلف ازجملهجدا کردن **معاونت آموزشی پژوهشی و دانشجویی فرهنگی** به دو **معاونت آموزشی پژوهشی** و **معاونت دانشجویی** و یک **مدیریت فرهنگی**جهت افزایش فعالیت های فرهنگی دانشگاه که یکی از نیازهای دانشگاه بود، نمودیم.

***منظور جنابعالی از هیأت عالی جذب چیست؟***

چنانچه قبلاً اشاره شد، اعضاء هیأت علمی توانمند رکن اصلی یک دانشگاه توسعه یافته می باشد، لذا ایجاد سازوکار مناسب برای جذب اعضاء هیأت علمی مطلوب یکی از نیازها بود که در کمتر دانشگاه هم سن دانشگاه بناب وجود دارد. حتی برخی از **دانشگاه های همجوار در حسرت ایجاد این سازوکار هستند**، لذا با تلاش هایی که صورت گرفت، **دانشگاه موفق به تشکیل هیأت اجرایی جذب دانشگاه با مجوز رسمی هیأت عالی جذب شورای عالی انقلاب فرهنگی شد.** ازچند سال اخیر، روند جذب اساتید هیأت علمی در دانشگاه ها به صورت متمرکز توسط مرکز جذب اساتید در وزارت خانه انجام می گیرد. بدین صورت که **متقاضیان از طریق سایت، تقاضای خود و دانشگاه مدنظر را به وزارت علوم اعلام می کنند** و پس از آن به دانشگاه ها اجازه داده می شود تا متقاضیان خود را برای مصاحبه علمی دعوت کنند و نتیجه را به وزارت علوم اعلام نمایند. **هیأت اجرایی جذب دانشگاه، مسئولیت مصاحبه را برعهده دارد. در برخی دانشگاه ها این هیأت اجرایی وجود ندارد و مصاحبه توسط هیأت اجرایی دانشگاه ها در استان انجام می گیرد.** ما با رایزنی های زیادی که حتی یک بار **تا مرحله استعفاء اینجانب پیش رفت**، توانستیم آن را در **دانشگاه خودمان** ایجاد کنیم و مجوز آن را از **شورای عالی انقلاب فرهنگیگیریم.** هیأت اجرایی جذب دانشگاه بناب تاکنون موفق به **مصاحبه از نزدیک به ۱۰۰۰ نفر متقاضی جذب هیأت علمی شده** و بیش از ۷۰ نفر بورسیه از بین دانشجویان دکتری دانشگاه های معتبر کشور **که اکثراً از**

**دانشگاه های شریف، امیرکبیر، علم و صنعت، شهیدبهشتی، تبریز، اصفهان، صنعتی سهند و غیره می باشند** را در این مدت جذب نموده است.**همینجا از اعضاء محترم هیأت اجرایی جذب دانشگاه کمال تشکر را می نمایم** که ساعت ها وقت خود را جهت انجام مصاحبه صرف کردند تا بتوانند شایسته ترین افراد را انتخاب کنند.همچنین یکی از نیازهای مهم دانشگاه برای تقویت فعالیت های فرهنگی و ایجاد هیأت اجرایی جذب، وجود دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری می باشد که با رایزنی هایی که انجام شد، موفق شدیم این دفتر را نیز در دانشگاه ایجاد کنیم.

افزایش سریع دانشجو جهت قابل قبول بودن فعالیت های دانشگاه و جلوگیری از هرگونه تجدیدنظر درخصوص فعالیت های دانشگاه از طرف وزارت علوم، یکی از سیاست هایی بود که باید انجام می شد. لذا افزایش چند رشته دانشگاهی **در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری** جهت رسیدن به هدف فوق، نیاز مبرم ما بود.**اخذ مجوز برای رشته های دکتری هندسه و دکتری فوتونیک و کارشناسی ارشد آنالیز و جذب دانشجوی کارشناسی در رشته ریاضیات و کاربردها از جمله فعالیت های آموزشی در ٦ ماه اول مدیریت اینجانب به شمار می آید.**

یکی از نیازهای دانشگاه ها، مراودات علمی و فرهنگی بین مراکز مختلف دانشگاهی می باشد، لذا جهت افزایش روابط بین اساتید و پژوهشگران و شناساندن جایگاه دانشگاه برای صاحبنظران، تصمیم **به برگزاری دومین سمینار و کارگاه بین المللی تاریخ ریاضیات کشور** گرفته شد و در آبان ۹۱ این سمینار با شرکت صاحبنظرانی از نقاط مختلف کشور و همچنین از **کشورهای خارجی** به عنوان دومین همایش علمی در دانشگاه برگزار گردید.

***نیاز اصلی دانشگاه بناب جهت رشد و توسعه در زمان ورود جنابعالی چه بود؟***

یکی از نیازهای مبرمی که دانشگاه بناب به آن داشت و مورد تأکید معاونت محترم اداری مالی وقت وزارت بود و در صحبتهای خود با اینجانب نیز به آن اشاره نمودند، **مشکل فضای فیزیکی دانشگاه بود. زمین ۵/۳ هکتاری دانشگاه کفاف ساخت و ساز موردنیاز دانشگاه را نمی کرد** و حتی به اذعان ایشان، ساخت و سازهای انجام شده و حتی جانمایی آنها کاملاً غیراصولی به نظر می رسید **ولی مسئولین وقت چاره‌ای جز این نداشتند**، از یک طرف **عدم تخصیص بودجه برای خرید زمین برای دانشگاه** از طرف وزارت و از طرف دیگر **گرانی زمین‌های همجوار دانشگاه**، مسئولین دانشگاه رادر یک بن بست سختی قرار داده بود.

همانطور که **می‌دانید برای تصویب پروژه های جدید، وزارت علوم و معاونت راهبردی ریاست جمهوری ابتدا وجود زمین کافی برای انجام پروژه را بررسی می کنندو** در مورد دانشگاه بناب با توجه به عدم وجود زمین، **انجام پروژه‌های دانشگاه متوقف شده بود و بودجه عمرانی رو به کاهش بود.**

اینجانب با رایزنی‌های کافی با مسئولین ذیربط فرهنگی و اجتماعی (امام جمعه محترم، نماینده محترم مردم در مجلس شورای اسلامی، فرماندار محترم، وزیر محترم نیرو، وزیر محترم علوم و استاندار محترم) و شناسایی تمامی زمین های موجود در دست امور اراضی استان، زمین مناسبی که مورد قبول معاونت راهبردی باشد را نیافتم و **حدود سه چهار ماه در سال ۹۰ به هر دری زدیم موفق نشدیم** تا اینکه **هیأت دولت در شورای اداری مصوبه ای را به تصویب رساند** که تنها متولی آموزش در **کشور دو وزارت‌خانه علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت آموزش و پرورش** تعیین شد و بقیه وزارت‌خانه‌ها مکلف به واگذاری مراکز آموزشی خود به وزارت علوم شدند. برهمین اساس، **دانشگاه شهید عباسپور در تهران به وزارت علوم واگذار شدو وزارت نیرو اقدام به واگذاری و فروش مراکز خود در شهرستان‌ها کرد.** در همین راستا **با تصویب شورای اداری استان و مجمع عمومی وزارت نیرو و پیرو دستور صریح وزیر محترم وقت نیرو**با اشاره به عدم توجیه سرمایه گذار و ناتوانی وزارت نیرو در امر توسعه مرکز، **زمین صنعت آب و برق واقع در بناب به دانشگاه بناب واگذار شد. پس از آن بود که بودجه عمرانی دانشگاه از ۸/۲ میلیارد در سال ۹۰ به ٤/٥ میلیارد در سال ۹۱ و به ٥/٦ میلیارد در سال ۹۲ افزایش یافت که بالاتر از دانشگاه‌های شهید مدنی و دانشگاه مراغه می‌باشد.** چنین شد که پس از بازدید کارشناسان معاونت راهبردی ریاست جمهوری و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه بناب از یک پرتگاه تجمیع با دانشگاه‌های همجوار و حتی حذف، رهایی یافت و توانست دوباره به راه توسعه خود ادامه دهد. ناگفته نماند **بودجه کل دانشگاه از حدود ۷ میلیارد در سال ۹۰ به ۱۲ میلیارد در سال ۹۲ افزایش یافته است.**

عمران و آبادانی ایران اسلامی و به خصوص شهر بناب یکی از آرزوهای همه ما تحصیل‌کردگان و مسئولین می‌باشد. مگر می‌شود کسی نخواهد شهر خودش توسعه یابد، به خصوص کسی که شبانه‌روز خود را وقف مجموعه تحت مدیریت خود بکند. در این شهر اشخاص زیادی واقعاً خون دل خورده اند و زحمات زیادی کشیده‌اند و می‌کشند تا شهرمان به این مرحله رسیده است. بنده از تاریخ کم و بیش خبر دارم، نمی‌خواهم به آن وارد شوم، ولی می‌دانیم کسانی زندگی خود را وقف عمران و آبادانی بناب کرده‌اند. ما نیز به نوبه خود چند صباحی را در توسعه و ترقی بناب صرف می‌کنیم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

***چه کارهای عمده‌ای در زمان تصدی مدیریت شما انجام یافته است؟***

همانطور که عرض کردم با کمک مسئولین شهرستان و به خصوص نماینده محترممردم بناب، توانستیم ۱۰ رشته موجود در دانشگاه را به ۲۲ رشته در سال ۹۲ افزایش دهیم، یعنی چیزی بیش از ۱۲۰ درصد افزایش رشته در مدیریت کمتر از دو سال. یعنی دانشگاه بناب از بدو تأسیس از سال ۱۳۷۴ تنها ۱۰ رشته داشت و در مدت دو سال اخیر در ۲۲ رشته دانشجویان مشغول تحصیل‌اند. مهمتر از آن، رشته‌های تحصیلات تکمیلی به خصوص دوره‌های دکتری می‌باشد و این افتخار بزرگی برای شهرمان است که در آن دانشجویان دکتری تربیت می‌شوند و بدانید که آوازه بناب همچون پتانسیل‌های دیگر آن در همه جای ایران و حتی در سطح وزارت‌خانه به گوش می‌رسد. الآن فارغ‌التحصیلان دانشگاه بناب توانایی ورود به دوره‌های تحصیلات تکمیلی را پیدا کرده‌اند و رتبه‌های تک رقمی در آزمون کارشناسی‌ارشد در سال‌های اخیر گواه این مدعاست. ما در دانشگاه بناب دانشجویانی را داریم که بیش از ۱۳ مقاله ISI در سطح بین‌المللی به چاپ رسانده‌اند و این افتخاری هم برای دانشگاه بناب و هم برای شهر بناب می‌باشد.

وجود اساتید برجسته و توانمند و کادر هیأت علمی قوی بزودی ما را در زمینه ارتباط با صنعت نیز سربلند خواهد کرد. در زمینه فضای آموزشی، با توجه به تکمیل ساختمان شماره ۲ ، فضای آموزشی ما از ۳۵۰۰ مترمربع در سال ۹۰ به بیش از ۱۰ هزار مترمربع در سال ۹۲ رسیده است، یعنی چیزی در حدود ۳ برابر فضای آموزشی موجود در سال ۱۳۹۰.

***آقای حقیقت‌دوست، در سال ۹۲ چه رشته های جدیدی در دانشگاه ایجاد شد؟***

درسال ۹۲، دانشگاه بناب در رشته‌های جدید مهندسی پلیمر، مهندسی نساجی و مهندسی مواد در مقطع کارشناسی و مهندسی عمران-سازه و مهندسی فوتونیک در مقطع کارشناسی‌ارشد موفق به پذیرش دانشجو شد. بدین‌ترتیب تعداد ۱۱۰۰ دانشجو در سال ۹۰ به بیش از ۱۸۰۰ دانشجو در سال ۹۲ رسید؛ یعنی چیزی حدود ۸۰ درصد افزایش دانشجو در مدت دوسال در مقابل ۱۶ سال از سال ۱۳۷۴. این در حالی است که اکثر مراکز آموزشی شهرمان با افت شدید پذیرش دانشجو مواجه هستند **ولی باتوجه به اهمیت رشته‌های دانشگاه بناب، ما موفق به جذب ٦٥٠ دانشجو در سال جدید شده‌ایم. الآن دانشگاه بناب تمامی رشته‌های یک دانشگاه صنعتی را دارد.** یعنی همان رشته‌هایی که در دانشگاه‌هایی همچون**صنعتی شریف** یا **دانشگاه صنعتی امیرکبیر** موجود است، اکثراً در دانشگاه بناب نیز وجود دارد. به حول و قوه الهی در سال های آینده، **دانشگاه بناب قابلیت تبدیل شدن به یک دانشگاه جامع را که همه رشته‌های موجود را داشته باشد، دارد.** همچنین ما در سال ۹۲ موفق به اخذ مجوز چند دانشکده شدیم، از جمله **دانشکده فناوری‌های نوین** که تابه حال **تنها دانشگاه تبریز** موفق به اخذ مجوز آن شده است، همچنین موافقت قطعی **دانشکده هنر و معماری** و **در حال رایزنی برای اخذ مجوز دانشکده برق و دانشکده مکانیک و دانشکده عمران هستیم.**اگر تمامی مسئولین با همدلی تمام همت کنند، **دانشگاه بناب در آینده نزدیک تمامی نیازهای منطقه را می‌تواند پاسخگو باشد.** این درحالی است که در برخی مراکز آموزشی منطقه، مشکلات توسعه و حتی **بحران هویت** وجود دارد. بنده امیدوارم که مسئولین رده بالای کشور فکری به حال چنین مراکزی هم بکنند.

***در حال حاضر وضعیت پذیرش دانشجو در کشور چگونه است؟***

ما در کشور به شدت با کمبود دانشجو مواجه هستیم. وجود مراکز آموزشی بیش از حد قابل توجیه نیست. باتوجه به طرح آمایش سرزمین در سطح کشور دیگر امکان ایجاد حتی یک مرکز آموزشی دیگر در منطقه وجود ندارد. چراکه هویت و مأموریت دیگر مراکز را نیز زیر سوال می‌برد. ولی ما می‌توانیم با تقویت همه‌جانبه دانشگاه بناب، موجبات رشد و توسعه آن را فراهم سازیم، نه اینکه با ایجاد مراکز دیگر آموزشی باعث رکود آن و مانع توسعه آن شویم. ایجاد مراکز آموزشی متعدد شاید بیست سال پیش توجیه داشت ولی با توجه به کمبود متقاضی ورود به دانشگاه، الآن هیچگونه توجیه منطقی ندارد. ای کاش ما می‌توانستیم بیست سال پیش با ایجاد مراکز متعدد و جذب اعضاء هیأت علمی قوی در آنها، راه توسعه و پیشرفت آنها را فراهم کنیم. ولی اینکار به هر دلیلی در سال‌های گذشته انجام نشده است. معمولاً وقتی شما مرکز آموزشی‌ای را ایجاد می‌کنید، تعداد قابل ملاحظه‌ای نیرو و متخصص را جذب یا بورسیه می‌کنید تا بعد از مدتی جهت خدمت به آن مرکز استخدام شوند. شاید یکی از ضعف‌های مدیریت‌های قبلی شهرمان، عدم توجه به جذب نیروهای متخصص در مراکز ایجاد شده باشدکه با مرور زمان آنها را با مشکلات هویتی روبرو کرده و شما اگر وقایع دو سه سال پیش در شهر بناب را مرور کنید، همگی برگرفته از این عدم توجه است. اگر در یک مرکزی ۱۰۰ یا ۲۰۰ هیأت علمی قوی یا پژوهشگر متخصص با مدرک دکتری موجود باشد، هیچ وقت آن مجموعه دچار بحران هویتی نمی‌شود. چراکه در این صورت که مجموعه خروجی قابل قبولی خواهد داشت و این مسئولین امر را مجاب می‌کند تا از توسعه و گسترش آن حمایت کنند. حال اگر چنین شرایطی برای ایجاد مراکز آموزشی فراهم گردد، همه ما از جمله دانشگاه بناب متعهد است که برای ایجاد و ادامه فعالیت آن کمک کند.

در سال‌های اخیر، فعالیت مراکز آموزشی شدیداً رقابتی شده و هرکدام سعی در جذب متقاضی بیشتر دارند. هردانشگاهی که کیفیت بالا و امکانات زیاد داشته باشد، قادر به رقابت است وگرنه باید از صحنه خارج شود. خود وزارت علوم و دولت نیز درصدد تجمیع یا حذف برخی از مراکز آموزشی می‌باشند تا فعالیت آنها توجیه‌پذیر شود. حال اگر دانشگاه بناب دست مساعدت مسئولین امر را در دست خود نداشته باشد و با تمام توان، هرم هیأت علمی و سطح کیفی خود را ترمیم نکنند و اقدام به توسعه فضای فیزیکی خود ننماید، احتمال دارد که از قافله عقب افتاده و پشیمانی‌های زیادی را در سال‌های آینده دربرداشته باشد! یکی از نگرانی‌های بنده همین است و به همین دلیل است که اصرار زیادی بر توسعه فضای فیزیکی دانشگاه دارم! بنده که داخل گود هستم، آن را با جان و دل احساس می‌کنم و وظیفه شرعی و قانونی خود می‌دانم که آن را به گوش مسئولین و مردم عزیز برسانم. والّا وقتی کسی به تکلیف خود عمل کرد، دیگر باقی با دیگران است که آنچه مصلحت است انجام دهند.

***به عنوان سؤال بعدی چه برنامه‌هایی برای آینده دانشگاه دارید؟***

بنده هنگام ورود به دانشگاه، به عنوان خدمت‌گذار مجموعه برای خودم یک مدت زمان کوتاه مدیریتی را تعیین کرده ام و بیش از آن، رسالت دانشگاهی بنده به عنوان یک معلم و پژوهشگر اجازه حضور در پست مدیریتی را به اینجانب نمی‌دهد. حال که به حول و قوه الهی اکثر مشکلاتی که دانشگاه تا به امروز دچارش بوده حل شده است، در مدت زمان باقی مانده مدیریتی اینجانب، انجام پروژه‌های عمرانی از جمله ۱- پروژه مسجد پیامبر اعظم (ص) که حدود یک سال و اندی هست که پول آن در حساب دانشگاه همچنان به دلیل عدم وجود زمین مسکوت مانده است، ۲- ساخت کتابخانه مدرن دانشگاه که از عدم وجود آن، اساتید و دانشجویان متحمل زحمات زیادی می‌شوند، ۳- همچنین پروژه ساختمان کلاس‌ها و پروژه دانشکده هنر و معماری و کارگاه ها و آزمایشگاه‌ها که به زودی ان شاءالله آغاز خواهند شد، در دستورکار اینجانب قرار دارند. باتوجه به افزایش رشته های اشاره شده فوق و همچنین افزایش تعداد آن در سال ۱۳۹۳ که **قرار است در یک رشته دوره دکتری و دو رشته کارشناسی‌ارشد و سه یا چهار رشته کارشناسی، دانشگاه بناب افزایش رشته داشته باشد،** درصورت عدم اجرای پروژه‌های فوق‌الذکر، دانشگاه حتماً با مشکلات متعددی روبرو خواهد شد. ما درسال ۹۲ توانستیم بیش از ۱۰ نفر هیأت علمی **در سطح دکتری در رشته‌های متعدد جذب کنیم** و حکم پیمانی آنها را صادر کنیم.

> **دانشگاه بناب قابلیت آن را دارد تا به یک دانشگاه جامع شامل همه رشته‌های موجود تبدیل شود**

تعیین امکانات لازم برای اساتید و تجهیز آزمایشگاه‌های دانشگاه از دیگر اولویت‌های بنده در مدت زمان مدیریتی می‌باشد. همچنین اصلاح **و تکمیل چارت سازمانی و جذب نیروهای جدید کارمندی** برای تأمین نیازهای اداری و مدیریتی از دیگر برنامه‌های بنده می‌باشد. **تقویت ارتباط دانشگاه با صنعت و عقد قراردادهای پژوهشی** دانشگاه با صنعت و **افزایش درآمدهایاختصاصی** از طریق ارتباط با صنعتو **ایجاد پردیس دانشگاه بناب** از جمله برنامه‌های اینجانب می‌باشد. تهیه و تدوین یک **سند چشم‌انداز طولانی مدت** برای دانشگاه که اقدامات اولیه آن شروع شده است که همچون **چراغ راهنمای ما** می‌تواند باشد، در دستور کار دانشگاه می‌باشد. توجه بیشتر به مسائل فرهنگی و ارتقاء مدیریت فرهنگی به معاونت فرهنگی از جمله اهداف بنده در آینده خواهد بود. **ساخت خوابگاه‌های دانشجویی** برای برادران و همچنین **ساخت خانه های مسکونی برای اساتید و تهیه زمین مناسب برای شهرک دانشگاهی** دانشگاه بناب یکی دیگر از برنامه های اینجانب می‌باشد.

> **تشکیل کمیته معتمدین و خیرین دانشگاه ساز، یکی دیگر از برنامه‌های پیشرو می‌باشد**

**تشکیل کمیته معتمدین و خیرین دانشگاه ساز،** یکی دیگر از برنامه‌های پیشرو می‌باشد. در اکثر دانشگاه های کشور چنین کمیته‌ای تشکیل شده و به کمک این کمیته، افرادی در ساخت خوابگاه و امکانات رفاهی دانشگاه مشارکت می‌کنند. البته در مقابل، تسهیلاتی هم از وزارت علوم دریافت می‌نمایند. خدا رحمت کند حاج ابراهیم جوانشیر را که فوت ایشان ضایعه‌ای برای بناب و بخصوص جوانان بناب بود. چقدر تلاش می‌کرد که این کمیته را در دانشگاه بناب فعال کند. واقعاً ما باید به بنابی بودنمان افتخار کنیم که چنین افرادی را در شهرمان داشته و الآن هم داریم. بنده خیلی امیدوارم که دانشگاه بناب از طرف مردم حمایت شود و ان‌شاءالله در مدت زمان کوتاهی ما در دانشگاه، **خوابگاه های برادران** و فضاهای ورزشی و **سالن‌های ورزشی** حتی استادیوم و استخر در یک مجتمع ورزشی داشته باشیم.

***شما الآن چه فعالیت‌های علمی و آموزشی در دانشگاه دارید؟***

بنده در کنار کار سخت مدیریتی، ساعاتی را به آموزش و پژوهش می‌پردازم. با توجه به اینکه بنده عضو هیأت علمی دانشگاه شهیدمدنی می‌باشم و در آنجا در دوره‌های تحصیلات تکمیلی به خصوص دوره دکتری دانشجو دارم، لذا هفته ای یک روز در آنجا به تدریس و تربیت دانشجویان دوره دکتری و کارشناسی‌ارشد مشغول می‌باشم. همچنین از سال ۹۱ با توجه به دایر بودن دوره دکتری هندسه در دانشگاه بناب و همچنین دوره کارشناسی‌ارشد هندسه، اقدام به پذیرش دانشجوی کارشناسی‌ارشد و دکتری در دانشگاه بناب نموده‌ام و درحال حاضر **دو نفر دانشجوی دوره دکتری هندسه و سه نفر دانشجوی کارشناسی‌ارشد هندسه در دانشگاه بناب دارم و به راهنمایی ایشان به عنوان استاد راهنما مشغول می‌باشم. ۱۰ نفر دانشجوی دکتری تحت راهنمایی داشته و بیش از ۲۰ نفر دانشجوی کارشناسی‌ارشد فارغ‌التحصیل نموده ام.** برگزاری سمینارهای هفتگی، روزهای چهارشنبه ساعت ۴-۲ و پنج‌شنبه‌ها صبح، یکی دیگر از برنامه های پژوهشی با دانشجویان می‌باشد. باتوجه به تجربیات کاری اینجانب و حضور در چندین دانشگاه معتبر جهان از **جمله دانشگاه ایالتی مسکو، دانشگاه کمبریج انگلستان، دانشگاه نانکای چین و پژوهشگاه چرن ایالت تیانجین چین و دانشگاه ایالتی باکو و همچنین حضور در پژوهشگاه تحقیقات بنیادی تهران و چندین دانشگاه داخلی و خارجی دیگر و همچنین حضور در چندین همایش و سمینار ملی و بین‌المللی، اینجانب پژوهش را اصلی‌ترین رسالت یک استاد دانشگاه می‌دانم و غفلت از آن را آفت بزرگی برای دانش می‌شمارم.** لذا هیچگاه از پژوهش و آموزش جدا نشده و نخواهم شد.

***رابطه شما با مردم و مسئولین در دوران زندگی و بخصوص در دوران مدیریت خود چگونه بوده است؟***

بنده از این سوال جنابعالی خیلی تشکر می‌کنم و واقعاً دوست داشتم در این مورد مطالبی را به عرض شما برسانم. ببینید همانطور که اشاره کردم، بنده از طبقه پایین جامعه هستم و با پوست و استخوان مشکلات زیادی که اکثریت مردم با آنها درگیر هستند را درک کرده و می‌کنم. لذا از اول زندگی و دوران جوانی همواره به مردم احترام گذاشته و می‌گذارم. بنده در میان مردم همین شهر زندگی کرده‌ام، کاملاً از جنس اکثریت ایشان هستم. چنانچه که ذکر شد، حتی در دوران تحصیل در دانشگاه نیز رابطه بنده با مردم از طریق تدریس برقرار بود و هیچگاه برای مدت زیادی از شهر و دیار خود جدا نشده‌ام و جالب است که در دوران تحصیل در خارج کشور، طی هیأتی از اساتید و پژوهشگران دانشگاه مسکو به ایران آمده و از بناب و دانشگاه آزاد بناب نیز دیدن کردیم. اینها همه باعث شده تا به کمک همین ارتباط تنگاتنگ، نیازها و نظرات همشهریان خود را به طور واقعی درک کنم. بنده وقتی مدیریت خود در دانشگاه بناب را آغاز کردم، هفته ها و حتی ماه‌ها بعد از انتصابم، باز پذیرای مردمی بودم که با گل و شیرینی در دفترم می‌آمدند و بنده را شرمنده می‌نمودند. فکر نکنید که همه شهرها به این شکل هستند. یکی از دوستان دانشگاهی غیربنابی بنده که از شهرهای دیگر استان می‌باشد، می‌گفت باور کن در شهر کوچک من کسی تاب و تحمل رشد و پیشرفت همدیگر را ندارد و می‌گویند آه این فلانی بوده که تا چند روز پیش یک فرد ساده بوده و نمی‌توانند باور کنند که همان بچه‌های دیار خود می‌توانند روزی فردی مهم و تحصیل‌کرده و متخصص شوند. لذا واقعاً مردم بناب همواره مشوق بچه‌های خودشان بوده و هستند و این حمایت ایشان است که باعث پیشرفت بناب شده است. بنده با عمل به فرمایشات بزرگان دینی و ائمه اطهار (ع) و به خصوص با عمل به عهدنامه مالک اشتر که مولای متقیان حضرت علی (ع) به ایشان در زمان فرمانداری مصر نوشته بود و در آن سفارشات اکید در خصوص رفتار با مردم به مالک کرده است و من از ذکر موارد آن خودداری می‌کنم، همواره با ارباب رجوع متواضعانه و باتکریم رفتار کرده و می‌کنم و خود را به عنوان رییس دانشگاه، خادم ایشان می‌دانم و ریاست را فرصتی برای خودسازی و گذر از امتحان سخت الهی فرض می کنم و همواره امیدم این است که سربلند از این امتحان بیرون بیایم.

یادم هست در سال ۹۱ که آزمون استخدامی قرار بود برگزار شود، ما از سال ۹۰ برنامه‌ریزی کردیم که در این آزمون واقعاً شایسته‌سالاری حاکم شود. خدا شاهد است چندین بار خود به سازمان سنجش رفته و از ایشان خواهش کردم که بیایندو آزمون را برگزار کنند و ایشان امتناع می‌کردند. چون تعداد کسانی که قرار بود جذب شوند، تنها ۵ نفر بودند. ایشان می‌گفتند ما فقط آزمون هایی را برگزار می‌کنیم که حداقل ۵ هزار نفر شرکت‌کننده و حداقل ۳۰۰ نفر جذب شده داشته باشد ولی با اصرار بنده و با توجه به توضیحات در خصوص خاص و حساس بودن شهر بناب، ایشان قبول کردند آزمون را در دانشگاه بناب برگزار کنند والّا می‌توانستیم خودمان با یک آزمون ساده، افراد را گزینش کنیم ولی باور کنید تنها ترس‌ام از خدا بود، چراکه در این آزمون از افراد زیاد فامیل و دوستان و آشنایان بودند. خوشبختانه این امتحان الهی هم به خیر و خوشی گذشت و افراد شایسته با امتیازات بالا جذب شدند، با اینکه افرادی بوده و هستند که نقدهایی به این آزمون دارند و مجموعه ما وقت زیادی جهت اقناع ایشان متحمل شدند. از مدت آماده سازی مراحل آزمون تا ورود نیروها به دانشگاه، انواع شایعات و حرف و حدیث‌ها در شهر مطرح شد و ما فقط تحمل کردیم و من به عوامل خود می‌گفتم حوصله کنید، بالاخره روزی برای مردم روشن خواهد شد که اینها همه شایسته هستند. شما فقط از خدا بترسید و کار را صحیح و خداپسندانه به پایان برسانید. واقعاً بنده از صمیم قلب به نظرات مردم احترام می‌گذارم و یک مسئول نیاز به اظهارنظر مردم دارد تا خود را اصلاح کند و خدای ناکرده بیراهه نرود. دیدارهای هفتگی با کارکنان و اساتید و اختصاص زمان مشخص برای دیدار با دانشجویان بصورت هفتگی در دفتر و دیدار با ایشان بطور مستمر در سلف سرویس و خوابگاه جزء برنامه‌های بنده در دوران مدیریت‌ام می‌باشد. در طی دو سال گذشته علاوه بر ارتباط نزدیک با بدنه دانشگاه، بنده نزدیک به دوهزار نفر و شاید بیشتر از همشهریان را در دفتر خود پذیرفته ام و ضمن استفاده از نکته‌نظرات و پیشنهادات و بعضاً انتقادات ایشان به نیازهای آنها نیز در حد توان و در چارچوب اختیارات پاسخ داده‌ام. دانشگاه یک محیط علمی و آموزشی است که دارای ظرفیت‌های استخدامی محدودی می‌باشد و توسعه قسمت‌های اداری آن مثل یک کارخانه یا شرکت نیست و با احتیاط و به کندی صورت می‌گیرد. لذا نمی‌توان هر روز چندین نفر را استخدام یا به کار گرفت. معمولاً مجوزهای استخدامی هر از چندسال صادر و اجرا می‌شوند. در دوران مدیریت اینجانب بیش از ۶۰۰ نفر متقاضی کار با شماره تلفن و آدرس کامل در امور اداری ثبت شده‌اند که برای یک دانشگاه نوپا رقم بالایی است و واقعاً ما نمی‌توانیم همه این عزیزان را در اینجا به کار گیریم. لذا این موارد موجبات دل‌آزردگی برخی همشهریان نیز خواهد شد، ولی بنده با اختصاص وقت کافیبرای تک تک ایشان با ارائه توضیحات کافی سعی در جلب رضایت ارباب رجوع را دارم. موضوع دیگر در این خصوص که ما مراجعات از بین مردم داریم، استخدام اعضاء محترم هیأت علمی می‌باشد. چنانچه اشاره شد، جذب اعضاء محترم هیأت علمی از طریق هیأت جذب دانشگاه -که اعضاء آن از طرف وزارت و شورای عالی جذب که زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت می‌کند، تعیین می‌شوند- صورت می‌گیرد. ایشان پس از مصاحبه از تک تک متقاضیان و پس از طی مراحلی در خصوص صلاحیت علمی و عمومی اقدام به جذب می‌نمایند. اکثر مراجعات بنده قسمتی نیز به این موضوع مربوط می‌شود و واقعاً انرژی زیادی را از مجموعه می‌گیرد ولی ما وظیفه داریم وقت بگذاریم و مردم عزیزمان را روشنگری کنیم. همین امسال **ما حدود ۱۲ نفر عضو هیأت علمی دکتری** در دانشگاه استخدام کردیم که فارغ‌التحصیلان **دانشگاه‌های برتر کشور** می‌باشند. **امکان جذب دانشجویان دانشگاه‌های سطح پایین داخل و خارج کشور برای ما وجود ندارد.** ما سالانه دوبار فراخوان جذب هیأت علمی از طرف وزارت داریم و هربار بیش از ۵۰۰ نفر متقاضی فقط دانشگاه بناب را انتخاب می‌کنند. ما وظیفه داریم بهترین آنها را انتخاب کنیم و براساس شایسته سالاری عمل کنیم و باور کنیم اگر غیر از این باشد، ضرر می‌کنیم و روزی باید تاوان آن را پرداخت کنیم.

***آقای دکتر حقیقت‌دوست، برای حسن ختام اگر صحبتی دارید بفرمایید؟***
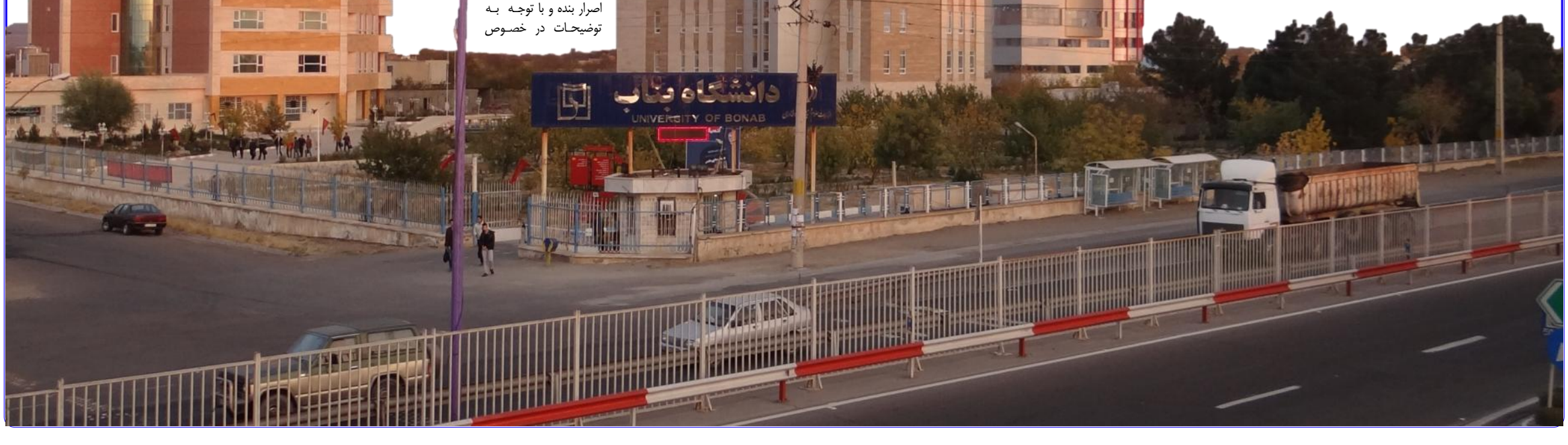
در آخر عرایضم، قبل از هرکس از مردم شریف و پرتلاش بناب که همواره نشان داده اند خواهان پیشرفت بناب بخصوص مراکز آموزشی و پژوهشی بناب هستند، تقدیر و تشکر می نمایم. از بزرگان و ریش سفیدان و معتمدین شهرستان که همواره خواهان رشد و تعالی بناب بخصوص دانشگاه بناب بوده وهستند سپاسگزاری می کنم. همچنین از درایت های حکیمانه امام جمعه محبوب شهرستان که با حمایت بی‌دریغ‌شان ازر مسائل ارشادی و ارایه نظرات و پیشنهاد اصلاحی و تقویت روحیه کاری در وسعت بخشیدن به طرح‌های جدید و فضاسازی برای آینده دانشگاه که خودشان مستقیماً متحمل زحماتی شدند و چه بسا در آینده نیز قبول زحمت نمایند بی نهایت از طرف خود وهمه فرهنگ‌دوستان شهرستان تشکر ویژه دارم. از نماینده پرتلاش بناب که در عرض ۲۰ ماه گذشته در چندین نوبت و در اولویت‌های ویژه در سطح وزارت علوم و استان و دیگر سازمان‌ها بعنوان پیشرو اهداف دانشگاه بود، از فرماندار محترم که در پیگیری و تعقیب امور به جد ما را کمک می کنند، از تمامی مسئولین شهرستانی و استانی که در راه اعتلای دانشگاه بناب ما را یاری کرده و می کنند، معاونین زحمت‌کش دانشگاه، مسئول محترم دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، مدیران اجرایی و آموزشی و کارکنان زحمت کش که با تلاش‌های شبانه‌روزی‌شان موجبات پیشرفت دانشگاه را فراهم می‌آورند و همچنین دانشجویان گرامی که کمی و کاستی های امروزه دانشگاه را تحمل می‌کنند، سپاسگزاری می‌نمایم و از جنابعالی و همکاران محترم مطبوعاتی که این مصاحبه را انجام دادید تشکر ویژه دارم و برای همه این عزیزان آرزوی سلامتی و بهروزی دارم.